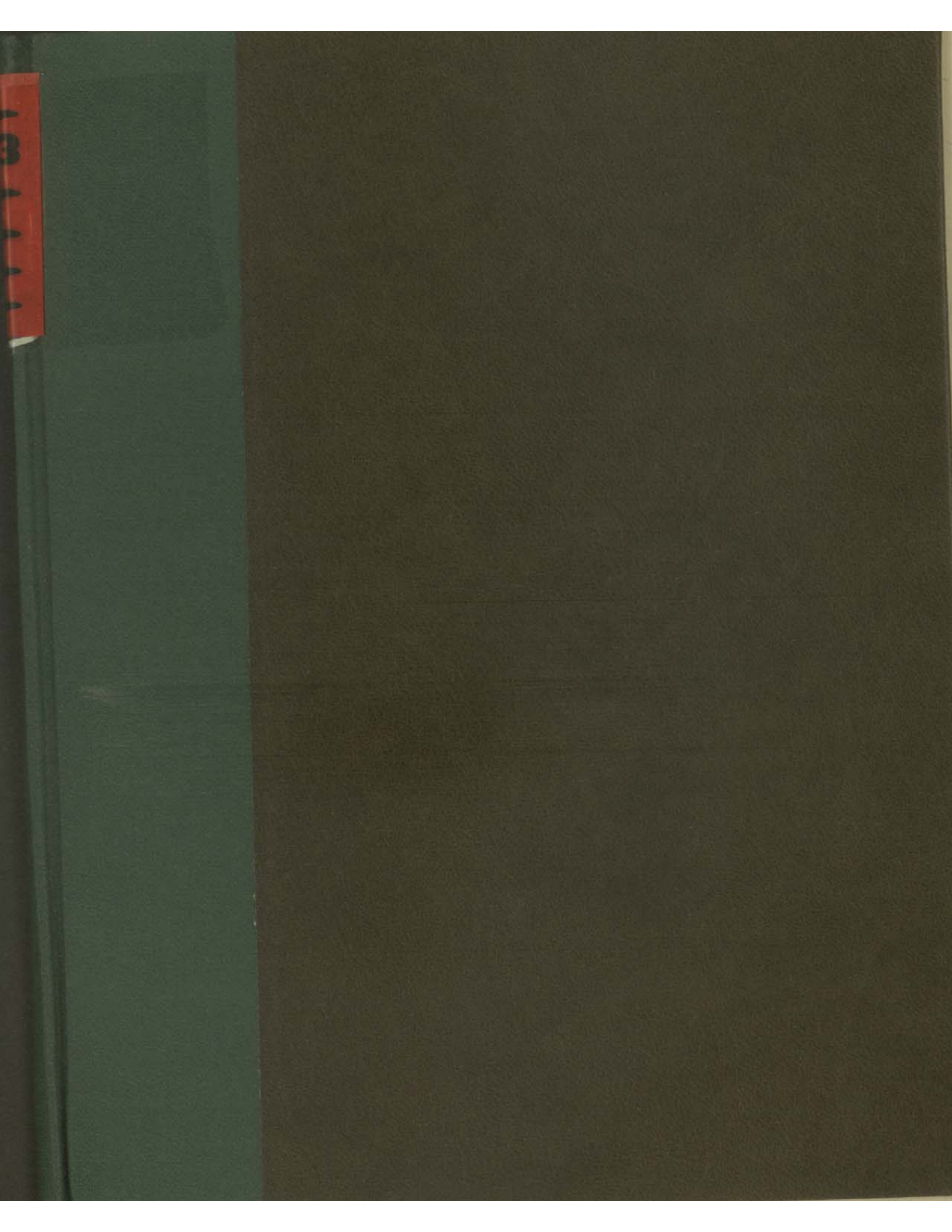
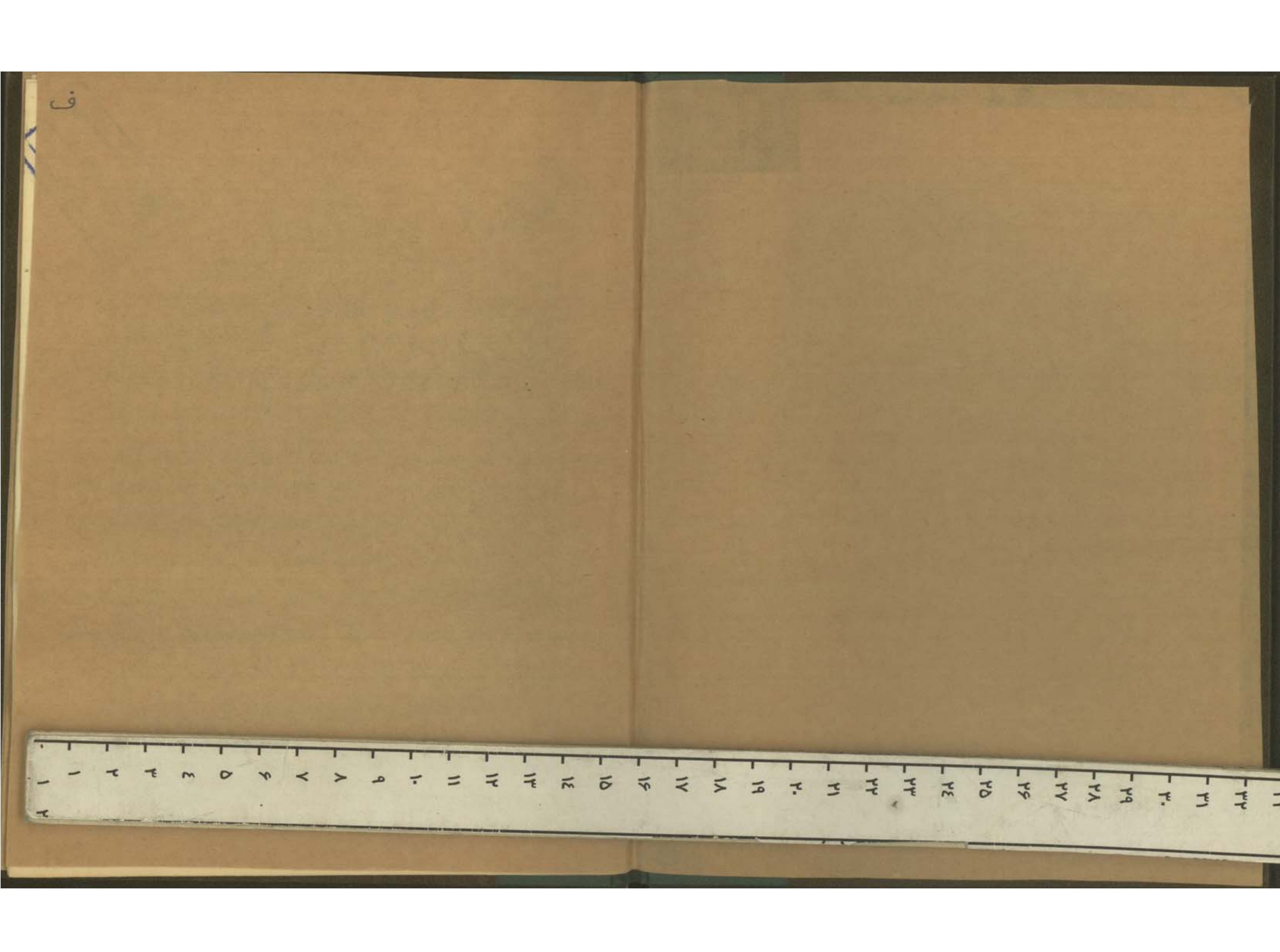




تمّ الرسـ
الة بعون الله
[illegible]
جل
بسم الله عزّ و
بشیر شیعیان نجات اصول عالم رسالته
مؤمنین آفاق که چون عهد عیان است اخبار احادیث شود
رسول خدا که آنحضرت فرموده البدعة ... بعد ... تمون عبد
حرام ... رسول خدا فرموده اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه
وان لم یفعل فعلیه لعنة الله ... اصحاب ... رد باسم ... دین ... صورت انفسیر
و توجیه قرآن باهواء ... آراء باطله ... و انکار ... محکمات و متشابهات آیات و روایات لذا واجب شد رد
بدع مضله ... و اغنیاء ضعفا اتباع آل محمد از مخالف باقرار کتاب سنت که مرجع اند
حادث ... ابن نوع از بدع مضله از جمله علامات قیام قائم است کما انکه ... امام
صادق است ... القرآن قد خلق ... علی الاهواء ... الله
قد انکفی کما ... ابن بدع مضله از جمله مصادیق ... البلاء
فالی الله اشکو ... الکتاب ... حق
بلا ... الکتاب ... الذکری تنفع المؤمنین
نبی و احادیث ... محمد
صلی الله علیه و آله است که عبارت است از انصات و استماع و حفظ
و عمل و نشر کما انکه رسول خدا فرموده [illegible]
اول انجاد الانوار والحمد لله رب
العالمین

رساله
لسان الصدق
از عموم اهل ایمان در رد
منکرین حجیت خاصه بشبهات
مزلزله و ترهات مضله در بنای [illegible]
[illegible] و اسپرس و در سلسله
[illegible] صفحه

[illegible] حجیت [illegible] مثال [illegible] فصل فاجوبه کافیه ایشان در
[illegible] سلسله مؤمنین است [illegible] کامله در هر باب تا اینکه [illegible] شود
[illegible] ابو جعفر [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

[illegible] در [illegible] حجیت [illegible] سؤال و جواب کافی شافی که محل [illegible] و دو سه از ری
[illegible] و مخالف باشند و در هر یک [illegible] شک و شبهه از بعضی از [illegible] خواص
و عوام مرتفع شود در باب حجیت [illegible] سؤال اول الخبر یحتمل الصدق و
الکذب که از جنس خبر محتمل صدق و کذب است [illegible] در باب حجیت و اشکال او است این کلام
حق است یا باطل جواب این کلام حق است اگر خبر از فاسق باشد و باطل است اگر خبر از عادل باشد
زیرا که واضح است از برای هر عاقل از عقلا که خبر فاسق و خبر عادل در یک امر مشترک و در یک امر
مفترق اند آن امر که مشترک اند احتمال خطاء است که در خبر فاسق و خبر عادل هر دو هست و آن امری که
مفترق اند احتمال کذب است در خبر فاسق و نبودن احتمال کذب است در خبر عادل و اگر در هر دو خبر فاسق
و خبر عادل احتمال کذب [illegible] واضح است نیز که فرق بین خبر فاسق و خبر عادل مرتفع خواهد شد که باطل است
بالضروره و اخبار وارده در حجیت و [illegible] از عدول علماء مثل علی بن ابراهیم قمی و [illegible]

[illegible] و [illegible] ابن [illegible] از [illegible] است [illegible] در باب حجیت و اشکال او [illegible] شدن
بقول الخبر یحتمل الصدق و الکذب [illegible] عوام [illegible] بعضی از [illegible] است [illegible]
کلام [illegible] اخبار عدول علما است خارج است سؤال دوم [illegible] اگر [illegible]
[illegible] عدول باشند [illegible] احتمال [illegible] در کذب اخبار [illegible] [illegible]
احتمال کذب باشد در اخبار این علما [illegible] دیگر [illegible] از برای احتمال [illegible]
[illegible] زیرا که [illegible] است که [illegible] احکام [illegible] [illegible]
[illegible] این علما [illegible] است آیا [illegible] است که [illegible] احکام [illegible]
و [illegible] کتب اربعه بوده من لا یحضره الفقیه لرئیس المحدثین ابن بابویه و کافی [illegible]
کلینی و تهذیب و استبصار للشیخ الطائفه شیخ طوسی و [illegible] مع زیاده کثیره جمع
در سه مجلد وسائل شیخ حر و سه مجلد مستدرکات وسائل نوری [illegible] از این کتب
[illegible] در [illegible] کسی [illegible] مدارک و ماخذی است در احکام و [illegible]
خلاف [illegible] خاصه و عامه که شهادت [illegible] مسلم حجت است علاوه بر آیه و استشهدوا
شهیدین من رجالکم و اشهدوا ذوی عدل منکم و غیرهما و بعباره اخری
اجماع است [illegible] است [illegible] و شهادات جمله عدول از [illegible]
[illegible] اخبار کتب مذکوره و [illegible] اصحاب [illegible] در مؤلفات خود [illegible] محل شک و شبهه [illegible]
بود از برای [illegible] اطلاع دارند بر [illegible] مذکوره مثلا [illegible]
صاحب الوسائل و همتی الی تالیف کتاب کافل [illegible] الامل [illegible]

والعمل یشتمل علی احادیث المسائل الشرعیة ونصوص الاحکام الفرعیة
فی الکتب المعتمدة الصحیحة التی نص علی صحتها علماؤنا نصوصاً صریحة
الی ان قال ولما نقل فیه من الاحادیث الا من الکتب المشهورة المعول علیها التی
لا تعمل الشیعة الا بها ولا ترجع الا الیها وقال الشیخ المرتضی الانصاری
قدس سره وطن کفی للمجتهد فی اهتمام نظره وعقد تحصیله نسخة من الوسائل الخ
و قال العلامة المجلسی رحمة الله علیه فی اول بحار الانوار بعد ذکر الکتب
واصحابها الفصل الثانی فی بیان الوثوق علی الکتب المذکورة ومؤلفیها
واختلافها فی ذلک ذکر او ذکر او که از اشباه این شهادات عدول از علماء اعاظم و فحول از
فقهاء حبا متین نور الله قبورهم گردد و انکار شهادات ایشان در حجیت کتب مذکوره و عده است
اصحاب آنها رد و انکار اجماع است محمد ص است که حجت است باتفاق خاصه و عامه که فرموده اند در خبر
احتجاج ان الله لا یجمع امتی علی ضلال پس جسته در رد شهادت این علماء مذکورین رد
سنت خیره است که متفق علیها است بین خاصه و عامه که هم از حجت بالغه الهیه است ورایه فلله الحجة
البالغة کما اینکه عالم موسی بن جعفر ع در حدیث وسائل و غیره فرموده اند و شاید گفته اند باشند و مستتره
است در اینکه اصحاب کتب مذکوره از جمله مؤمنین [illegible] جسته [illegible] و علاوه اینها این است که مؤمن مصدق
رسول خدا ص است بحکم محکم آیه ۶۱ سوره توبه ومنهم الذین یؤذون النبی ویقولون هو
اذن قل اذن خیر لکم یؤمن بالله ویؤمن للمؤمنین الی آیت و قطع [illegible] اگر ما تصدیق
کردیم مصدق رسول خدا ص را تصدیق کردیم رسول خدا ص را [illegible] و علاوه نیز تصدیق کردیم و ایمان آوردیم

باین آیه محکمه حدیث و کلام پس ثابت شد دو انکار ما اصحاب این کتب و اخبار ایشان [illegible] انکار محکم قرآن
و عدم ایمان و تصدیق رسول خدا ص است با معلومیت حکم ما در این دو صورت از آیات و روایات
از ظلم و فسق و کفر سؤال سیم اگر بگویند که احادیث وارده در باب رجعت و اشباه او از
جمله اخبار متواتره نیست که قطع بصدور آنها از رسول و ائمه هدی ع باشد و خبر واحد که ظن است بصدور
او از رسول خدا ص و ائمه هدی ع محل نظر و تأمل است حجیة او در باب رجعت و اشباه او و اثبات
نمیکند این ثمره از امور اعتقاد دینیه را جواب اصول محکمات قرآن و نصوص محکمات آن ناطق است
بحجیة خبر واحد اما اصول کلی آیه ۳۸ سوره بنی اسرائیل ولا تقف ما لیس لک به علم
که افاده میدهد حجیة علم را زیرا که با نفی حجیة علم غیر حجتی باقی نخواهد ماند برای هدی علاوه بر اینکه حجتی فوق
حجت علم متصور نیست عقلاً ولذا از حضرت نبوی این امر عقلی فرموده است صدیق اکبر امیر ع در خبر
اول بحار فقال العلم کله حجة و واضح است که مخبر واحد عادل علم است بعدم تعمد کذب
آن بخلاف مخبر واحد فاسق که علم بعدم تعمد کذب او نیست کما اینکه تحقیق او انشاء گذشت پس اتباع
مخبر واحد عادل اتباع علم است و از جمله فروعات این اصل محکم قرآن است و هم آیه ۸۱ سوره
انعام فای الفریقین احق بالامن الی قوله عز وجل وتلک حجتنا آتیناها ابراهیم
علی قومه الخ که ناطق است بر اینکه امن حجت الهیه است و واضح است امن ناشی از علم است
که هر عالم آمن و هر آمن عالم است پس هر یک از دو آیه مذکوره تصدیق میکند دیگری را و نبوی
همین بیان مأمون اشاره فرموده اند یعسوب المؤمنین در اول نهج البلاغه بجواب سائل و قاعده
فقال ان القرآن یصدق بعضه بعضاً الا ان الله عز وجل قال

وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا پس تصدیق مخبر واحد عادل در اخبار آن که مأمون است تصدیق حجة الهیه است که از جمله فروعات این اصل است نیز و اما نصوص یکی آیه ایست در سوره حجرات است يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ که افاده مینماید تفحص و توقف نمودن و حرکت و مکث کردن بالتطبیق خبر عادل را زیرا که به اتفاق حاکم است که واسطه بین خبر فاسق و خبر عادل نیست پس اگر لازم باشد توقف در خبر عادل نیز واضح است که لغو و عبث خواهد شد شرط در آیه مبارکه علاوه بر اینکه اختلاف خواهد شد بین این آیه و آیات ثلث مسموعه که حجت نموده مؤمن و مسلم آن را که مخبر عادل از جمله مصادیق آنها است و حال آنکه اختلاف و اعوجاج در قرآن نیست کما اینکه [illegible] در عبارت منقوله اشاره فرموده و یکی نیز همین آیه مبارکه است نظر بعلت تفحص و توقف در خبر فاسق که عبارت است از اصابه بجهالت که در خبر عادل مفقود است این علت که اصابه بجهالت است پس اگر در خبر عادل که اصابه بعلم است لازم باشد توقف نیز واضح است که لغو خواهد بود تعلیل باصابه بجهالت و در قرآنیکه نازل است در شأن آن قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا و از این [illegible] کلام بخوبی مسلم شد که آیه نبأ باعتبار علت توقف که حجت نموده است نبأ عادل را نیز از جمله مؤیدات اصل حجیت علم واقعی است ورود آیه [illegible] که هر یک تصدیق میکند دیگری را پس قبول نمودیم که بحکم محکم دو اصل قرآن و دو نص آن خبر مخبر واحد عادل حجة الهیه است و رد و انکار او رد و انکار محکمات از اصول و نصوص قرآن و طرح حجة الهیه است لیکن مراد [illegible] ارباب کتب مذکوره

از کجا از مسلمات عدول بدانیم تا رسول خدا صلعم و ائمه هدی ع با کثرت وقوع ایشان در منقول اخبار آن و لو اینکه تسلیم نمودیم که اصحاب این کتب مذکوره مصادیق اصول و نصوص مذکوره از محکم قرآن هستند

ج اولاً آنکه اصول و نصوص مذکوره مطلقه است از اینکه مخبر عادل از مخبر عادل خبر دهد یا از مخبر مجهول یا مخبر فاسق پس مقید نمودن این اصول و نصوص مطلقه را بضرورت بودن خبر مخبر عادل از مخبر عادل خاتمه واضح است که تخصیص است در محکمات آیات الهیه بدون مخصص و بعبارة اخرى نقض غرض است [illegible] که هیچیک از عقلاء مجوز نبوده اند و [illegible] امیر علی [illegible] فرموده اند [illegible] در نبأ فقال فَإِنَّ الْيَقِينَ لَا يُنْقَضُ بِالشَّكِّ و نیز [illegible] در خبر اول [illegible] فقال أَبْهِمُوا مَا أَبْهَمَهُ اللَّهُ مثل [illegible] امام صادق ع در خبر این کتاب فقال كُلُّ شَيْءٍ [illegible] حاصل این است که عقل خالص صحیح و نقل ثابت صریح [illegible] و اطلاق کلام حکیم [illegible] از قبل آن حکیم نص مخصص وارد نبوده واضح است که این نص مخصص در اصول و نصوص مسموعه که ناطق باشد باینکه خبر مخبر عادل از مخبر عادل [illegible] خود [illegible] مفقود است از روایات فضلاً از آیات محکمات قرآن پس تقیید [illegible] اطلاقات اصول و نصوص [illegible] قول [illegible] حکمی است بغیر ما انزل الله و مصداق آیه فقال وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ است و اگر [illegible] در مذهب [illegible] محکمات آیات قرآن [illegible] است بدون تقیید [illegible] خواسته باشی نظر کن باستدلال امیر [illegible] برای حرمت امهات [illegible] چه مدخوله و چه غیر مدخوله [illegible] امهات بخلاف ربائب که مقید است بامهات مدخوله فقال [illegible] الربائب علیکم حرام من الامهات اللاتی فدخل بهن

حق في المجهود وغير المجهود سواء والامهات صنفها ف و واضح است که این کلام از مولانا
ولاه صریح تصریح است از اصل مذکور که تقلید فرموده اند سوی تتمیم خود شان ان ابهموا ما ابهمه الله
و ایا که این اصل یعنی آنچه را خدا تعالی مبهم و مطلق گذاشته باید مبهم و مطلق گذاشت و تقیید ننمود و حکم
بی عمل نبود استدلال است از برای حرمت مطلق اتهامات ف صحیح بوده حاشا و کلا و ثانیا اگر ضرورت
قاضیه است که علم بفسق راوی مخبر عادل مورث علم بخطاء مخبر عادل نیست بلکه مورث احتمال خطاء مخبر
عادل است پس رفع ید از خبر مخبر عادل از راوی فاسق نقض یقین است بشک که باطل است عقلا و نقلا
اما اینکه تقریر و تقریب شد في الجمله و بعبارة اخری بحکومت عقل و نص صحیح فرق است بین علم بخطاء
مخبر عادل و علم بفسق راوی مخبر عادل که رفع ید از خبر اول نقض یقین بیقین دیگر است که عقل جایز دانسته و
و رفع ید از خبر دوم نقض یقین است بشک که عقل جایز نداند و وارد شده سوی همین امر عقلی فرموده اند مولانا امیر
در نهج البلاغه فقال ولا تظنن بكلمة خرجت من اخيك سوءا وانت تجد لها في الخير محتملا
و ایا ین این است که خبر دوم یعنی خبر مخبر عادل با علم بفسق راوی این مخبر عادل از جنس مصادیق این اصل است
نه با لقطع و بیقین و ایا ما احتمال نیز هم صحت خبر را نزد حصه وقت ره مثلا با علم آن بفسق راوی او حاشا و کلا ف
از اینجا واضح شد حقیقت و قبول نمودن قول امام المتقین ولا تظنن الخ و سوء ظن بعدول از علماء اخیار
و فقهاء ابرار عطر الله مراقدهم در قبول نمودن احادیث ایشان که نقل نموده اند از رواة فساق و یا از
مجاهیل و نا شناخته ایه فتبا سعد نه البنیان ناطق است لفظا و معنا باینکه مخبر شما اگر فاسق است توقف
و تفحص کنید در خبر او و اگر عادل است اتباع کنید خبر آن را و بدیهی است که راوی مخبر با راوی بر اثبات مکیه
راوی مخبر است زیرا که اگر راوی مخبر با راوی نباشد جایز است روایت قرآن و حصول آنکه

این روایت کذب است عقلا و نقلا اما عقلا پس واضح است که این روایت را مجرد که رده ما
و اما نقلا پس بیرون امام صادق است بر این امر عقلی در خبر ثالث مرسل قال اياكم والكذب
المفترع قيل له وما الكذب المفترع قال ان يحدثك الرجل بالحديث فتتركه
وترويه عن الذي حدثك به عنه پس ثابت شد که فحص و بحث از راوی صدوق و اشکال از
عدول ابتعه ثمن و مؤمنین که فاسق است یا عادل غیر اذن و اجازه از ثقلین یعنی کتاب خدا و عترت رسول
صلی الله علیه و آله است که کرده و فشو و متمسک باشد اجا یا جب مستوار و نیز خلاف دو حجه الهیه است بر خلق
که عبارت است از عقول و سلسله اهل عصمت کما انکه در قول امام موسی بن جعفر است در اول بحار قال
ان لله على الناس حجتين حجة ظاهرة وحجة باطنة فاما الحجة الظاهرة
فالانبياء والرسل والائمة واما الحجة الباطنة فالعقول
الحکم اگر این است چنانکه عقول و نصوص محکمات آیات قرآن که خبر مخبر عادل که عبارت است از ثقه و
مؤمن از تعمد کذب حجه است مطلقا بدون نظر در بقیه رواة آن خبر تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و جماعت
و ائمه اصحاب کتب متاخره که فی الجمله رسیده از جنس ثقات و مؤمنین باشند دیگر علم رجال است
از علم با حوال رجال سند خبر از حیث جرح و تعدیل و علم درایه حدیث که عبارت است از علم با حوال
حدیث از حیث صحیح و موثق و حسن و قوی و ضعیف و غیر ذلک بودن چه ثمره دارد و در تحصیل
و تعقیب آنها صرف سطح خیال است که تعلیم شده از محکمات آیات و اصول و نصوص علاوه بر حجه
باطنه یعنی عقول واجب مستوار است یعنی در حجیه قول و حدیث ثقه مطلقا چه در موضوعات و چه در احکام
مثل قول رسول خدا صلی الله علیه و آله در خبر اول بحار قال تعلموا العلم عمن شئتم من كان افضل

حب ان یصلی الفجر بعشیر دو قول ایشان [illegible] و لا یحدث الا عن ثقة فیکون
کذب ابائه [illegible] در احکام [illegible] قول امام صادق ع در خبر [illegible] قال
سئلته عن رجل یزوج امة او جاریة تمتنع لها فجعل رجل ثقة او غیر ثقة فقال ان
هذه امرأتی و لیست لی بینة فقال ان کان ثقة فلا یقربها و قول دیگر حضرت
در خبر کتاب مذکور فی رجل طلق امرأته ثلاثا فبانت منه فاراد مراجعتها فقال لها انی
ارید مراجعتک فتزوجی زوجا غیری فقالت له قد تزوجت زوجا غیرک و حللت
لک نفسی أ تصدق قولها و یراجعها و کیف یصنع قال اذا کانت المرأة ثقة
صدقت فی قولها و غیره از اخبار وارده در موضوعات [illegible] از کتاب [illegible]
بر تحصیل و تعقیب این دو قسم مذکور با حال دیده شده و علم در این باره [illegible]
ابن احمد بن طاوس ره است کما اینکه در قول صاحب وسائل است در آخر مجلد [illegible] قال
و یظهر من ذلک ضعف الاصطلاح الجدید علی تقسیم الحدیث الی صحیح و
حسن و موثق و ضعیف الذی تجدد فی زمن العلامة و شیخه احمد بن طاوس انتهی
و واضح است که [illegible] این دو علم مذکور لازم دارد تخصیص اطلاقات اصول و نصوص محکمه
آیات متعدده را مثل تقیید اطلاقات اخبار متواتره [illegible] و اذا جائکم [illegible]
امام باقر ع در رسائل وسائل معلوم شد قال کلما لم یخرج من هذا البیت فهو باطل
سؤال پنجم اگر قبول نمودیم تمام این بیانات [illegible] از آیات و متواتره از اخبار اهل عصمت و
حکومت عقلیه که خبر ثقه و موثق از تعمد کذب حجت [illegible] و لیکن [illegible] خبر مخالف قرآن [illegible]

و باطل است عقلا و نقلا و بعبارة اخری بر آن [illegible] خبر موافقت و مخالفت او است با قرآن [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] این کلام چگونه است جواب این کلام صحیح [illegible] لیکن
بر دو شرط عقلا و نقلا [illegible] شرط اول آنکه خلاف مضمون خبر در قرآن باشد نه آنکه [illegible]
حدیث با قرآن و [illegible] مضمون حدیث که منتفی است در این صورت مخالفت حدیث با قرآن [illegible]
که طرح حدیث در این حال طرح اصول و نصوص و اخبار متواتره و حکومت عقل است که حجت بوده [illegible]
[illegible] مثلا با نبودن آیه رجم در قرآن موجود چگونه تصور تعقل میشود مخالفت اخبار رجم محصن [illegible]
با قرآن و شرط دوم آنکه خلاف مضمون خبر در قرآن بعد از آنکه در قرآن باشد یکی از دو وجه [illegible]
[illegible] است و اشاره شد یعنی حکم سلسله اهل عصمت ع و حکم عقل عقول تا آنکه علم و امن باشد
[illegible] مخالفت حدیث با قرآن مصداق پیدا نخواهد نمود [illegible] علاوه [illegible]
در این کلام [illegible] مراد نشد که حکومت یکی از دو وجه مذکوره [illegible] در طرح حدیث [illegible]
[illegible] خواهد آمد یکی دخول در نهی [illegible] در آیه شریفه و لا تقف ما لیس لک به علم [illegible]
آیات متواتره و دیگر [illegible] طرح مثل اخبار متواتره [illegible] یکی ابطال اصول و نصوص
و اخبار متواتره [illegible] یکی از دو [illegible] یعنی عقلا و عقول و سلسله اهل عصمت [illegible]
[illegible] نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم چگونه است مخالفت قول امام ع
در خبر [illegible] وسائل با او یقول ع قال رسول الله ص محاش النساء علی امتی حرام [illegible]
که انی بمعنی این و متی و کیف [illegible] قال صاحب القاموس انی یکون
بمعنی این و متی و کیف و اراده [illegible] همین [illegible] امام صادق ع در خبر [illegible]

فقال

تعالى ... القرآن ... عند النبي ... و از این بیان ... [illegible]

[illegible] ... قبول ... [illegible]

[illegible] ... سؤال ... [illegible]

[illegible] ... در خصوص ... واقع است ... [illegible]

[illegible] ... تخصیص ... [illegible]

[illegible] ... واقع ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... عبارة اخری ... [illegible]

[illegible] ... در حکم خود که وجوب اتباع است ...

ایشان علم و این بواقع باشد یا بطریق واقع ... نمودن قرینه در کلام مطلق حکیم

ضرورت ... تخصیص کلام مطلق آن ... [illegible]

... فرموده اند امام ... قال ... ان ... [illegible]

شيئا الا ان الله يقول ... فالبيت ... عليم الخ سؤال ...

قبول و تسلیم نمودیم بصول قرآن و نصوص آن که اتباع نور علم و آن واجب است ...

او واقع باشد و چه طریق واقع و بعبارة اخری چه نور علم و آن بواقع ... بطریق ...

در خبر سابق ... فرموده اند العلم کله ... و لیکن ... علم باشد که قرآن کلام خدا ...

او رسول خدا است ... قطع نظر ... قرآن ... علم ... عقل ...

علم و این ... [illegible]

... علم و این ... [illegible] ... قرآن ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

در خبر ... قال ان القرآن يصدق بعضه بعضا

لا ان الله عز وجل قال ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا

... در باب اثبات رسول ... آنحضرت ... [illegible]

[illegible] ... آنحضرت ... [illegible]

... آنحضرت ... [illegible]

كنت تتلوا من قبله من كتاب ولا تخطه بيمينك اذا لارتاب المبطلون ... [illegible]

... آنحضرت ... قبل از نزول قرآن ... [illegible]

... آنحضرت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... رسول ... نزول قرآن ... [illegible]

الهی ... اینجا ... قرآن و رسول ... [illegible]

... عقل ... [illegible]

یا بیع و وجهت عقیده و بجواب در جهت باشد پس بعد از طلب حق و صواب در این دو مورد یا مخصص مذکور
یکی و ... باشد قرآن و یکی در ثابت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بعد نظر بشر عیده او لمه و کره ...
تا حجیت آن شود در حق بودن قرآن و رسول اکرم صادق و شوند در اثبات آنها و رجال غیر معتبر
دا ... مشهور و احد ... تب بین مثال هشتم اگر در این باب آن کافی صحیح شد و بعض
از جهت خبر ثقه و مؤمن با صول قرآن و نصوص آن و ... علاوه ... حکومت عقیده قطعیه فرق است
که خبر ثقه و مؤمن از جمله کذب اثنی عشری باشد و اثنی عشری نباشد و لکن اوفق آنست که مخبر اثنا عشری
... رجال ... کنند تا اهل عصمت از رسول خدا و ائمه هدی یا یکی ... و نه ... رجال
مسند را مثل کثیری از اخبار ... گفته قال رسول الله یا قال الصادق و ... اگر
خبر لا بد مسند است و خود از رسول و امام استماع نموده و لکن اوفق است که خود ثقه و مؤمن تصریح
نماید بصحت خبر خود یا تصریح نماید و لکن اوفق است که مضمون خبر ثقه و مؤمن مطابق او ایشان باشد ح
... است عقلا و نقلا که تخصیص اصول و نصوص و اخبار متواتره ... را مثل تخصیص حکومت عقیده را
هر یک از جهات مذکوره محتاج است ببینه و برهان و تفسیر دیگر که مفقود است در این حسب الفرض مثل
فقدان بینه و برهان در تخصیص آیات مذکوره بعلم و ... تخصیص ... عقیده یا عملیه
انما صورت بودن جمیع رواة خبر از اهل عصمت ثقات و ... تخصیص کرده ... از اسباب این
تخصیصات ... عقل و نقل مثال نهم اگر ... این الاساس ... حکم ... از قرآن و تواتر
اخبار ... حکم ... آنچه گفته شده است از ظنیه الطریق بودن اخبار آحاد و شهرت تحقیق
این کلام قائم شده بر وجه و خلاف مقتضای ادله شرعیه ... بلکه اخبار آحاد یعنی اخبار ثقات ...

و مؤمنین که مصادیق ادله مسموعه است ظنیه الطریق است نه قطعیة الطریق ح از چنانست که
ادراک نموده ایم ما شیم و ادله مسموعه و فرض کنیم که ما قبل از اصطلاحات متجدده بوده ایم و ...
حیرتی از این امور و اشتباهات از احدی نموده ایم و ... شهرت و امثال او ...
چه عصره و عجل به ... فرجه ... در خبر ... بحار فقال ... مشهود او اصل له
و در خبر است که این ... از امور ... اوهان است با صطلاحات قوم که درا ... خلیفه و جود
... السلام علی من اتبع الهدی سؤال دهم اگر ... این ثبات ...
از حجه الهیه بودن خبر ثقه و مؤمن ... مسموعه را و منکر خبر ثقه و مؤمن ... ادله ...
که ... در کفر او ح بلی کما اینکه ... آیات کثیره مثل آیه سوره مائده
و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون و آیه سوره عنکبوت و ما یجحد
بآیاتنا الا الکافرون و آیه ... یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین ...
... صادق ... استدلال ... این آیه ... کفر را ... قول ثقه و مؤمن در خبر اول
... قال اما اذا قامت علیه الحجة ممن یثق به فی علمنا فلم یثق به فهو
کافر و اما من لم یسمع ذلک فهو فی عذر حتی یسمع ثم قال ابو عبد الله
یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین سؤال یازدهم اگر از جواب این سؤال ...
... میزان کفر قبول ننمودن حجه الهیه است ...
... که حجه الهیه قول ثقه باشد ... معیار کفر شخص انکار ... ضروری دین است که ...
باشد که او از دین است ... مشهور است ... افواه ... خاص و عام ح بلی ...

[illegible] امام صادق [illegible]

قال الراد علينا الراد [illegible] وهو على حد الشرك بالله و قول دیگر آنحضرت در خبر [illegible]

فقال [illegible] الانكار وهو الكفر [illegible] مذکوره [illegible] تحت اصل مذکور [illegible]

مشهور لا اصل له [illegible]

[illegible] ولقد صدق مولانا

الامام من اخذ دينه من افواه الرجال اخرجته منه ومن اخذ دينه من الكتاب

والسنة زالت الجبال قبل ان يزول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قال ع المؤمن وحده حجة

[illegible] شك او ظن فاقام على احدهما فقد حبط عمله ان حجة

الله هي الحجة الواضحة [illegible]

سوره نساء است ان تنازعتم في شيء فردوه الى الله والرسول ان كنتم

تؤمنون بالله واليوم الآخر [illegible]

[illegible] مشهور لا اصل له [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] في الخطبة الغديرية

كل واحد يعني الثقلين منهما عن الآخر لا يخالف احدهما الآخر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قال ع ليس الناصب من نصب لنا اهل البيت لانك لا تجد رجلا

يقول انا ابغض محمدا وآل محمد ولكن الناصب من نصب لكم وهو يعلم انكم تتولونا وانكم

من شيعتنا [illegible]

[illegible] كلما جاءهم رسول بما لا تهوى انفسهم فريقا كذبوا وفريقا

يقتلون ولقد صدق مولانا الامير في خبر اول البحار ان الله عز وجل [illegible]

[illegible] قال والفقهاء [illegible]

[illegible]

از مختصر کتاب [illegible] تمسّل [illegible] برکت [illegible] ورد و صلوات الحجاد [illegible] که میگویند که اخبار [illegible]
[illegible] و دلالت بر این [illegible]
[illegible] قول رسول خدا [illegible] در اول بحار آمده سیکذب علیّ کما کذب علی من قبلی الخ و قول
دیگر آنحضرت [illegible] فقد کثرت علیّ الکذابة و ستکثر الخ و مثل قول امام صادق
[illegible] ان علیّاً لم یکن یدین الله الا بالحق علیهما لا تنزل المغیرة [illegible] لا انطال
آخره و کانوا یستوون امیر المؤمنین عن الحق لا یعلمون فاذا امضاهم جعلوا الدست
من عندهم لیلبسوا علی الناس و مثل قول دیگر آنحضرت [illegible] فان المغیرة بن سعید
لعنه الله دس فی کتب اصحاب ابی احادیث لم یحدث بها ابی الخ و کذا و کذا از مثل
این اخبار [illegible] در اخبار اهل عصمت [illegible] چگونه اعتماد و قبول میشود
باخبار کتب موجوده [illegible]
[illegible]
[illegible] بودن [illegible] نقل یقینی است [illegible]
عقلا و نقلا [illegible] یقین [illegible] بودن کلی از اخبار این کتب [illegible]
[illegible] یقین [illegible] حاصل این است که
[illegible] بودن خبری از اخبار این کتب [illegible]
و بین یقین [illegible] بودن خبری از اخبار این کتب [illegible] که در اول [illegible]
عقلا و نقلا [illegible] در قول امام صادق است در خبر اول [illegible] قال

سئالت اباعبدالله عن الخطاب التی شاع فی الشوق فقال اشکر و صلّ فیها اما
تعلم انّه [illegible] و قول دیگر آنحضرت در اول بحار یقول کل شیء هو لک حلال حتّی
تعلم انّه حرام [illegible] الخ [illegible]
[illegible]
[illegible] و لقد صهد
مولانا الرضا فی خبر اول البحار ان علی کل حق حقیقة و علی کل صواب نورا [illegible]
[illegible] بودن
[illegible] این قیام حجة [illegible] این کتب [illegible]
یقین [illegible] بودن خبری از اخبار این کتب [illegible] ثقات از علما
[illegible]
اهل عصمت [illegible]
[illegible] اهل عصمت [illegible]
[illegible] ثقات ضبط کرده در کتب خود [illegible]
[illegible] محکم کتاب و سنت
[illegible] از اخبار اهل عصمت
[illegible] احکام اسلام [illegible] حلال [illegible]
[illegible] و من اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس

[illegible] علیکم [illegible] ... [illegible]

قول [illegible] سؤال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فلا يكون افضل ما نالك

من دنياك بلوغ لذة او شفاء غيظ ولكن احياء حق او اطفاء باطل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر هذا

صراط مستقيم لمن شاء ان يستقيم والحمد لله الذي هدانا لهذا وما

كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله این است سؤال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فقال اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا

فانهم حجتي عليكم وانا حجة الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ومن عرف انا لا نقول الا حقا فليكتف بما يعلم منا فان

من رحم الله [illegible] شيعتنا وهو [illegible] عرفنا اما [illegible] علیکم ان

[illegible]

[illegible] من سلك الطريق الواضح ورد الماء ومن خالف وقع في التيه

[illegible] من دان الله بغير سماع عن صادق الزمه الله

التيه الى الفناء [illegible]

لا الم [illegible] الانفس ولا [illegible] هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى

[illegible] ولكن ذلك ذكرى لمن له قلب او القى السمع وهو شهيد [illegible]

[illegible] والسلام على من اتبع الهدى ونهى النفس عن الهوى والعاقبة [illegible]

والحمد لله في الآخرة والاولى والصلوة على خيرة الاولين والآخرين و

[illegible] السموات العلى وسكنة الارضين السفلى [illegible]

[illegible]

سبب چون در این [illegible] ثابت و مشهور شده از رای بعضی ضعفاء و غیر مطلعین بر اصول

این اسلام و احکام محکم کتاب خدا و سنت رسول [illegible] و کذا این اعمال و تشکیک تشنیع نموده بعضی تجدد [illegible]

این ایمان را که مصداق قول رسول [illegible] در آخر الزمان [illegible] الاصلین ولا [illegible]

[illegible] غیر برکات [illegible] خودشان را [illegible] گروان آمریکائی اغفال و تشکیک [illegible] شده در ادراک

رجعت است [illegible] اهل ایمان بخدا و رسول و ائمه اثنی عشر [illegible] این است که این امر را از قول خدا و رسول

و ائمه اثنی عشر [illegible] علماء [illegible] عوام [illegible] مؤمنین [illegible]

[illegible]

[illegible] در اسلام [illegible] ای سائل اگر در این امر رجعت [illegible] اقرار

[illegible] رسول و ائمه اثنی عشر [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] که کتاب خدا [illegible] قرآن [illegible] رجعت

از آیات [illegible] بعضی از ائمه میشود [illegible] (۵۱) سوره نمل و یوم نحشر من

کل امة فوجا ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون [illegible]

[illegible] امام صادق [illegible] در خبر تفسیر علی بن ابراهیم

فقال الرجل لابی عبدالله ان العامة تزعم ان قوله و یوم نحشر من کل امة

فوجا عنی فی القیامة فقال ابو عبدالله فیحشر الله من کل امة فوجا و یدع الباقین

لا ولکنه فی الرجعة و اما آیة القیامة و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا [illegible]

بر قول عامه که آیه مذکوره را در روایت دانسته اند لازم خواهد آمد اختلاف [illegible] ما بین این آیه و آیه [illegible]

وقت
انکار
نواحی
اضطراب

قوله

مذکوره و مثل آیه سوره [illegible] ان الاولین والآخرین لمجموعون الی میقات یوم معلوم

و حال آنکه [illegible] قرآن [illegible] لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه

اختلافا کثیرا [illegible] قرآنا عربیا غیر ذی عوج لعلهم یتقون و مثل آیه [illegible] سوره آل عمران

و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمة ثم جاءکم رسول

مصدق لما معکم لتؤمنن به و لتنصرنه [illegible]

[illegible] تصدیق [illegible]

[illegible] امام صادق [illegible] در تفسیر قمی مذکور و قال ما بعث الله نبیا من لدن آدم

فهلم جرا الا و یرجع الی الدنیا و ینصر امیر المؤمنین و هو قوله لتؤمنن به یعنی

رسول الله و لتنصرنه امیر المؤمنین [illegible] واضح است [illegible] انکار رجعت لازم خواهد آمد کذب

آیه مبارکه و مثل آیه سوره توبه هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره

علی الدین کله و لو کره المشرکون خدا [illegible] رسول خود را [illegible]

[illegible]

[illegible] یظهره الله عز و جل فی الرجعة [illegible] انکار رجعت لازم

خواهد آمد [illegible] رسول [illegible] تمام ادیان [illegible]

حقیقت رجعت حالا ای سائل اگر [illegible] در ثبوت رجعت بنطق قرآن

نطق قرآن [illegible] امام [illegible] علی بن موسی الرضا [illegible]

عن الحسن بن الجهم قال قال المأمون للرضا یا ابا الحسن ما تقول فی الرجعة

فقال

فقال انها الحق قد کانت فی الامم السالفة ونطق بها القرآن وقد قال رسول الله ص
یکون فی هذه الامة کل ما کان فی الامم السالفة حذو النعل بالنعل والقذة
بالقذة وقال ع اذا خرج المهدی من ولدی نزل عیسی بن مریم فصلی خلفه
وقال ع ان الاسلام بدأ غریبا وسیعود غریبا فطوبی للغرباء قیل یا رسول الله
ثم ماذا یکون قال یرجع الحق الی اهله الخ ای سائل اگر خواهی هست قول رسول
در حق بودن رجعت و ثبوت او این اقوال رسول ص است در ثبوت که امام ثامن ع از آنحضرت ص نقل
فرموده در این خبر که ذکر نمودیم و اگر غیر این خواهی در احتساب قال الله اثنی عشر ... این
امر است بآیات کثیره بر منکرین رجعت که در جزو سیزدهم بحار تفسیر النعمانی فیما رواه عن امیر المؤمنین ع
قال واما الرد علی من انکر الرجعة فقوله عز وجل ویوم نحشر من کل امة فوجا
ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون ای الی الدنیا فاما معنی حشر الآخرة فقوله عز وجل
وحشرناهم فلم نغادر منهم احدا وقوله سبحانه وحرام علی قریة اهلکناها انهم
لا یرجعون فی الرجعة فاما فی القیامة فهم یرجعون ومثل قوله تعالی واذ اخذ الله میثاق النبیین
لما آتیتکم من کتاب وحکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به ولتنصرنه
وهذا لا یکون الا فی الرجعة ومثله ما خاطب الله الائمة ووعدهم من
النصر والانتقام من اعدائهم فقال سبحانه وعد الله الذین آمنوا منکم وعملوا
الصالحات الی قوله لا یشرکون بی شیئا وهذا انما یکون اذا رجعوا الی الدنیا
ومثل قوله تعالی ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم

ائمة

ائمة ونجعلهم الوارثین وقوله سبحانه ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی
معاد ای رجعة الدنیا ومثله قوله ألم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف
حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم وقوله عز وجل واختار موسی قومه سبعین
رجلا لمیقاتنا فردهم الله تعالی بعد الموت الی الدنیا وشربوا ونکحوا ومثله خبر العزیر
ای سائل اگر در اثبات اقوال بعض ائمه ع را خواسته باشی بدان این قول صادق آل محمد ع است در جزو سیزدهم
بحار لیس منا من لم یقل برجعتنا ونیز این است قول آنحضرت ع در خبر کتاب مذکور من اقر بسبعة
اشیاء فهو مؤمن الی ان قال الایمان بالرجعة ونیز این قول امام ثامن ع است در خبر
الکتاب من اقر بتوحید الله الی ان قال واقر بالرجعة فهو مؤمن حقا وهو من
شیعتنا اهل البیت وغیره وغیره وغیره از اخبار متواتره وارده از ائمه طاهره مثل قول امام
صادق ع در کتاب مذکور اول من تنشق الارض عنه ویرجع الی الدنیا الحسین بن علی ع
وان الرجعة لیست بعامة وهی خاصة لا یرجع الا من محض الایمان محضا
او محض الشرک محضا ومثل فقره زیارت جامعه مرویه از امیر ع ویکر فی رجعتکم ومثل فقره
زیارت اربعین الحسین ع در قول امام صادق ع انی بکم مؤمن وبرجعتکم ومثل قول امام باقر ع
در کتاب مذکور قال سألت اباجعفر ع عن الرجعة فقال القدریة ینکرونها ثلاثا
واگر در اثبات اطمینان وسکون نفس بسیار اصلی باقوال سلاطین وبزرگان از علماء در این دین
گذشته خیر ومعارف آفاق هستند بدان که کفایت خواهد نمود تورا آنچه علامه مجلسی رحمه الله علیه در
مجلد سیزدهم بحار نقل نموده وشهادت داده از بیست زیاده از چهل نفر در زیاده از پنجاه کتاب

ایشان

این است عبارت میرزا ابن مرحوم که ملاحظه کن وکیف یشک مومن بحقیقة الائمة الاطهار
فیما تواتر عنهم فی قریب من مأتی حدیث صریح رواها نیف واربعون من الثقات العظام
والعلماء الاعلام فی ازید من خمسین من مؤلفاتهم کثقة الاسلام الکلینی والصدوق
محمد بن بابویه والشیخ ابی جعفر الطوسی والسید المرتضی والنجاشی والکشی والعیاشی وعلی بن
ابراهیم وسلیم الهلالی والشیخ المفید والکراجکی والنعمانی والصفار وسعد بن عبد الله وابن قولویه
وعلی بن عبد الحمید والسید علی بن طاوس وولده صاحب کتاب زوائد الفوائد ومحمد بن علی بن ابراهیم
وفرات بن ابراهیم ومؤلف کتاب التنزیل والتحریف وابی الفضل الطبرسی وابراهیم بن محمد الثقفی
ومحمد بن العباس بن مروان والبرقی وابن شهرآشوب والحسن بن سلیمان والقطب الراوندی
والعلامة الحلی والسید بهاء الدین علی بن عبد الکریم واحمد بن داود بن سعید والحسن بن علی بن ابی حمزة
والفضل بن شاذان والشیخ الشهید محمد بن مکی والحسین بن حمدان والحسن بن محمد بن جمهور
العمی مؤلف کتاب الواحدة والحسن بن محبوب وجعفر بن محمد بن مالک الکوفی وطهر بن عبد الله
وشاذان بن جبرئیل صاحب کتاب الفضائل ومؤلف کتاب العتیق ومؤلف کتاب الخطب وغیرهم
من مؤلفی الکتب التی عندنا وان لم نعرفه مؤلفه علی التعیین ولذا لم ننسب الاخبار الیهم وان
کان بعضها موجودا فیها واذا لم یکن مثل هذا متواترا ففی ای شیء یمکن دعوی
التواتر مع ما رویه کافة الشیعة خلفا عن سلف وظنی ان من یشک فی امثالها
فهو شاک فی ائمة الدین ولا یمکنه اظهار ذلک من بین المؤمنین فیحتال فی تخریب الملة القویمة بالقاء ما یستبدعه عقول المستضعفین وتشکیکات
الملحدین یریدون لیطفؤا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره المشرکون الخ

سع اگر گفته شود که شیخ مفید ره خلاف کرده است در این امر رجعت و نقل بعض عبارت شده از ان که
بر عدم صحت دلالت کند نقل کلمات دیگران علاوه بر آنچه دانسته شد از بودن مفید ره از جمله علمای که
تالیف کتاب نموده در اثبات رجعت صریح است در قائل بودن برجعت واز جمله آن کلمات جوابی است
در سؤال که حضرت داده است در حکایات سیره هم بحار قال والجواب ان الله اذا رد الظالمین
فی الرجعة لینتقم منهم لم یقبل توبتهم ولا ینفعهم ندمهم الی ان قال وهذا هو الجواب
الصحیح علی مذهب الامامیه الخ واز آنجمله تصریح است در قول امام صادق ع در کتاب مذکور قال
واما قوله من لم یقل برجعتنا فلیس منا فانما اراد بذلک ما یختص من القول
به فی ان الله یحشر قوما من امة محمد بعد موتهم قبل یوم القیامة وهذا مذهب
یختص به آل محمد والقرآن شاهد به قال الله عز وجل فی ذکر الحشر الاکبر وحشرناهم
فلم نغادر منهم احدا وقال سبحانه فی حشر الرجعة قبل یوم القیامة ویوم نحشر من
کل امة فوجا ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون فاخبر ان الحشر حشران عام وخاص الخ
پس بر وجه نه نیست از اینکه گفته شود اگر مفید ره چیزی فرموده اند در انکار رجعت از باب ضرورت تقیه
بوده که قول عامه است یا اینکه جمع شود بین کلمات منقوله و کلمات مذکوره آن والا لازم خواهد آمد تناقض
در کلمات آن و متضح است که مفید ره اجل شانا و ارفع مقاما است از اینکه گفته شود اطلاع پیدا نکرده است
بآیات و روایات متواتره در اینباب که در جمله اشاره شده یا اینکه خود دخش بآن آیات و روایات تمسک کرده و عبارت
متقدمه و کیف یمکن نقل خلاف در اینمسئله در حق شخص مثل مفید ره خلاف و اجماع و اقوال ناس است و ایات حساب
در تخریب ملت قویمه کما اینکه دانسته شد در عبارت علامه مجلسی ره نهایة الامر در اینباب فقهست یکی باجماع امامیه

ملاحظه کن عبارت صدوق ره را در باب اعتقادات علماء امامیه قال اعتقادنا فی الرجعة انها

حق تا آخر آنچه در این باب استدلال نموده و ملاحظه نما عبارت سید مرتضی ره را در حکایت بحار قال

اعلم ان الذی تذهب الشیعة الیه ان الله تعالی یعید عند ظهور امام الزمان المهدی

قوما ممن کان قد تقدم موته من شیعته لیفوزوا بثواب نصرته و معونته و مشاهدة

دولته و یعید ایضا قوما من اعدائه لینتقم منهم فیلتذوا بما یشاهدون من ظهور

الحق و علو کلمة اهله و الدلالة علی صحة هذا المذهب ان الذی ذهبوا الیه مما

لا شبهة علی عاقل فی انه مقدور لله تعالی الی ان قال فالطریق الی اثباتها

اجماع الامامیة علی وقوعها فانهم لا یختلفون فی ذلک و اجماعهم قد بینا

فی مواضع من کتبنا انه حجة لدخول الامام فیه الخ و ملاحظه کن جواب مفید ره را در عبارت

مذکوره و هذا هو الجواب الصحیح علی مذهب اهل الامامة الخ حال ای سائل بعد این نطق

از کتاب خدا و سنت رسول و حجت ائمه اثنی عشر و اجماع علماء امامیه در ثبوت رجعت چگونه عاقل

بعقل و عارف زکوان شک و ریب میکند در او و اعتقاد و تعویل میکند بخلاف مفید ره که اصلا بآن

موقوف و اتمام است مثل غیر آن ای سائل چه شده است که قول فرع که مفید ره است بر فرض صحت

مقدم شده بر اصول یعنی محکمات آیات و روایات و نیز چه شده است که قول یک فرع که مفید

ره هم است بر فرض صحت مقدم شده است بر جمیع فروع یعنی بقیه علماء اعصار و امصار و نیز

چه شده است تقلید اموات علماء در فروع حرام شده است و تقلید مفید ره در این اصل از اصول

مذهب که رجعت است جائز شده است و چه شده است که مفید ره باید در این قول بخصوص مقدم

باشد بر جمیع علماء اعصار و امصار و در بقیه اقوال این دیگران مقدم نباشند که اقوال مفید ره در حجیت

کذا حدیث حدث ... و بطلان صلوة جمعه ... مقدم باشد بر اقوال علماء که بطلان ... و کذا در بقیه فتاوی مفید که مخالف است با فتاوی قصیر

عنه و بعد النبأ العظیم آیه بر طبق سنن حقایق سره و شبهه نیست که حجت در هر امر متنازع فیه در این زمان

بحکم محکمات دو چیز است یکی کتاب و یکی سنت بر اقوال و آراء مختلفه اسلاف و اخلاف کما ...

میفرمائید فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون

بالله و الیوم الآخر اگر نزاع نمودید در چیزی رد کنید آن متنازع فیه را بسوی خدا و رسول اگر ایمان

آورده اید بخدا و روز قیامت و بیان امر در تسلیم و مسائل قال وارددوا الی الله و رسوله ما

تضلعلی من الخطوب و تشتبه علیک من الامور فقد قال الله سبحانه لقوم احب

ارشادهم یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان

تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول فالراد الی الله الآخذ بمحکم

کتابه و الراد الی الرسول الآخذ بسنته الجامعة غیر المتفرقة ای سائل امر رجعت که

فعلا محل نزاع و کشمکش شده خارج است از مصداق این آیه محکمه حاشا و کلا و اذا اگر نمائیم این امر

رجعت را بحکم آیات و سنت جامعه که خدا بحکم مشروع شد ایمان بخدا و روز قیامت آورده ایم حاشا و کلا

و اما اگر حکم ننمائیم حینئذ رجعت بقول بقصر و آراء باطله و معانی فاسده خود ما آن با بودن

آیات و روایات متواتره مسموعه در حیرت ما این است حکم غیر ما انزل الله کرده ایم می باشد و اما القطع

و اما نزاع این است که حاکم بغیر ما انزل الله ... است بحکم محکم سه آیه سوره مائده

وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْفَاسِقُونَ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ [illegible]
در این هنگام که ثابت شد منبود رجعت این است که گفته ایم نازل کنیم مثل آنچه خدا نازل
کرده است بی تامل و اعتنا [illegible] مصداق این آیه از سوره [illegible] و من قال سانزل
مثل ما انزل الله [illegible] و تشکیک بعض [illegible] ایات
و روایات [illegible] از مصادیق این آیات ظلم و فسق و کفر [illegible]
[illegible] رجعت قبول نموده ایم بودن نزول قرآن را از نزد خدای تعالی و عدم قدرت
انس و جن از آوردن مثل او [illegible] منکر رجعت [illegible]
بودن عیسی بن مریم و امثال این امور که محکمات قرآن ثابت است [illegible]
قرآن است که خبر داده از این امور [illegible] این منکر [illegible] عقل ثابت شده است که
قرآن از نزد پروردگار است [illegible] نزول قرآن از نزد
خدای تعالی است [illegible] قبول [illegible]
اخبارات قرآن را اگر خارج از [illegible] و محسوسات است حاصل این است که قبول قرآن
و علم [illegible] ناقص است که از
هیچیک از عقلاء عالم [illegible]
امتحان [illegible] این بعض اهل [illegible] و ثبوت قرآن از
خدای تعالی [illegible] انکار کند آیات محکمات در این امور را [illegible] اگر [illegible]

اگر

رجعت با این متواتره آیات و روایات و قبول قرآن بودن [illegible]
با تسلیم دیگر ممکن است [illegible] آیات و روایات [illegible]
چه اصول و چه فروع [illegible]
پیدا میشود که از این بعض اهل [illegible] و تشکیک کننده [illegible] این دین قویم
[illegible] اثبات [illegible] ادله مذکوره در ثبات رجعت از آیات و روایات متواتره محکمات [illegible]
و اما [illegible] ثابت کند این [illegible] بعض
[illegible] است أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ [illegible]
و محصل کلام [illegible] این است که [illegible] رجعت [illegible] در قرآن و سنت و اخبار ائمه هدی [illegible]
جواب این سؤال [illegible] این بعض [illegible]
که برهان از محکمات کتاب و سنت است هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا فَذَكِّرْ
إِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ [illegible]
[illegible] در کلام امام باقر [illegible] و لقد صدق
رسول الله [illegible] إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ [illegible]
[illegible] این است که [illegible] مذکور یا تام است یا ناقص اگر تام است لازم
[illegible]
[illegible] ختم مطلب
[illegible] أَفْضَلُ [illegible] بُلُوغ

[illegible]

[illegible]

لذة او شفاء غيظ ولكن احياء حق او اطفاء باطل والحمد لله رب العالمين
والسلام على من اتبع الهدى ش دیگر گفته شده که آیه (۱۵) سوره مؤمنون ناطق است که بعد از
موت قیامت است که نفی میکند رجعت را ثم انكم بعد ذلك لميتون ثم انكم يوم القيمة
تبعثون ج اولا دلالت این آیه اثبات میکند رجعت را زیرا که کسانیکه کشته شده‌اند کشته میشوند
نمرده اند بشهادت آیه (۱۵۲) سوره آل عمران و امثال او که قتل را غیر موت قرار داده ولئن متم
او قتلتم لالى الله تحشرون و نیز لازم است که رجوع کنند و ثانیا اگر بمیرند و صدق کل نفس
ذائقة الموت شوند و ثالثا اگر آیه مذکوره دلالت کند بر نفی رجعت لازم می‌آید اختلاف بین او و آیات
مذکوره مثل اختلاف بین او و آیات ناطقه بر رجعت که ذکر کرده شده و محال است اختلاف در قرآن بحکم
آیه سوره نساء ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا و رابعا اگر آیه مذکوره دلالت
کند بر نفی رجعت لازم خواهد آمد منافات بین ثقلین یعنی کتاب و دیگری یعنی عترت که اخبار ایشان ذکر شده
و محال است که با اخبار متواتره ثابت است که مخالفت نمیکند یکی از ثقلین دیگری را مثل فقره خطبه غدیریه قال ع ان علیا
والطيبين من ولدي هم الثقل الاصغر والقرآن هو الثقل الاكبر فكل واحد منهما
منبئ عن الآخر لا يخالف احدهما الآخر الخ و از اینجا استدلال بجواب ظاهر شد که بمجرد شنیدن
نه آیه مذکوره در نفی رجعت باید قائل بنفی شد و دست بردار از اخبار شد که بعد از تواتر روایت
مسموع شد حاصل کلام این است که در تفسیر قرآن بحکم آیه ولا تقف ما ليس لك به علم لازم است یکی علم معاد
آیه که حاصل میشود از لغت و صرف و نحو و یکی علم مراد خدا که حاصل نمیشود مگر بحکم اهل الذکر یعنی ائمه
که وابسته شده بمذکوره [illegible] علم معاد است [illegible] در تفسیر قرآن [illegible] شود از [illegible]

[illegible]

